



مسجد و مدرسه مروی

سیامید میرمحمدصادق



اشاره:

از اهداف مجله مسجد، معرفی مساجد تاریخی ایران و جهان است. در این بخش سعی می‌شود ویژگی‌های مساجد همچون معماری و تاریخچه بنا، کتابخانه و امکانات جانبی، موقوفات و متولیان، ائمه جماعات، و فعالیتها و نقش اجتماع آنها شناخته شود.

در این شماره، مسجد و مدرسه مروی، که به مسجد و مدرسه خان مروی و مسجد و مدرسه فخریه نامیده می‌شود، و در قرن ۱۳ هـ.ق بنا شده است، معرفی می‌گردد. این مسجد و مدرسه در تهران، خیابان ناصرخسرو (ناصریه قدیم) گورچه مسابیل شمس المعاره واقع شده است و به همین مناسبت، آن محله، گورچه و بازارچه، به گورچه و بازارچه مروی معروف شده‌اند.



الشاره بار شتر کرد و به طرف نیت فرستاد.

پس از فرار حاج محمد حسین خان از بخارا، یکی چنان تمام افراد خاندان و بستگان او را در چاهی زندانی کرد. پس از چندی همه را از چاه بیرون آوردند، و سرزاد پندشان جدا کردند. وی در این کار چنین بهانه نمود که چرا محمد حسین خان به مسلکشی فرار کرده و پناه برده، که آن مملکت مورد دشمنی و خصومت شدید وی بود؟

محمد حسین خان مروی پس از مدتی توقف در نیت، در سال ۱۲۱۴ هـ. ق با لباس درویشی به کابل، پاپیست افغانستان، رفت. وی در کابل ایامی را به نکدی و درویشی گذراند. مدتی بعد، آشنایش او را شناختند و به کمکش شناختند. سپس او از آنجا به قندهار، و بعد به سیستان وقاین رفت. خان فاین پس از اینکه او را شناخت، پذیراین گرمی از او کرد. محمد حسین خان پس از رفع خستگی، از قاین به تهران آمد. به محض ورود وی به شهر، فتحعلی شاه با روی گشاده به دیدار خان مروی رفت، و کشتن تمام اعیان خاندانش را به وی تسلیم گفت. همچنین، شاه به عباس میرزا، ولیعهد خود، فرمان داد تا بپند خان مروی رود. او را تسلیمت گوید. حتی فتحعلی شاه عذرات را به وی پیشنهاد کرد، ولی او از قبول این منصب سربرداشت. و تا آخر عمر فقط به سمت ندامت خاص فتحعلی شاه اکتفا کرد. در این مدت، وی بسیار مستحرم می زیست، و یکی از مستحرم ترین افراد آن زمان خود بود. او از طرف شاه، ملقب به فخرالدوله، و مخاطب سلام واقع شد.

محمد حسین خان مروی به گناه جوانی و در مشهد مقیم، به تحصیل علوم جزووی پرداخت. میرزا محمد صادق مروزی مستخضای به عسکری مروزی، صاحب کتاتب تاریخ جهان آرا، مقدمس او بود.

محمد حسین خان مروی مردی بنا تقوا و زاهد بود. در منابع شفاوی نقل شده است که به هنگام شروع بنای مدرسه و مسجد مروی، وی از علما و روحانیانی که حضور داشتند، به لحاظ آنکه فرار بود این مکان مسجد و مدرسه علوم دینی شود. خوبست تا کسی که نمازش تاکنون فضا نشده است، کلنگ شروع بنا را به زمین زند. پس از آنکه دید هیچ کس برای این کار داوطلب نشده است، خود کلنگ را به زمین زد. سرانجام، حاجی محمد حسین خان مروی، روز پنجم، ۲۱ جمادی الآخر سال ۱۲۲۴ هـ. ق و ۳ روز قبل از نوروز، درگذشت.

بنای مدرسه و مسجد مروی و جلوه های معماری آن از بررسی بقایای مکتشف با آثار موجود مدارس برمی آید که نقشه مدارس قدیم، کاملاً شبیه مساجد چهار ایوانی است. اختلاف عمده مساجد چهار ایوانی و مدارس قدیم را می توان در تشریح اتاقها و ایوانهای کوچک آنها در اطراف صحن مدارس دانست. در مساجد صرف نظر از ایوان بزرگ

بنای مدرسه

مسجد و مدرسه مروی و بازارچه پیروسته به آن، همگی از یادگارهای حاج محمد حسین خان، پسر پیرامعلی خان، است. در یکی از نسخه های خطی مدرسه مروی تحت عنوان الرحلة البلیه فی الحضره المرویه که برای محمد حسین خان مروی نوشته شده، اجداد او بدین صورت آمده است: «حاجی محمد حسین خان بن پیرام علی خان بن شاه قلی خان».

محمد حسین خان معروف به خان مروی، از بزرگان طایفه قاجار و از تیره عزالدین لو، از جمله طوایف آشناده پاش بود. هنگامی که میر معصوم، ملقب به شاه مراد و معروف به بیگ جان یا بیکی جان، امیر بخارا شد، به واسطه زیرکی زیاد و قدرتی که در امارت خود به دست آورده، اکثر اوزبکان را زیر فرمان و سلطه خود درآورد. سپس، وی نظارت دتمدی به قلعه و همسایگان را آغاز کرد. از جمله این مناطق، ناحیه سرو بود که در آن زمان پیرامعلی خان، پدرخان مروی، از طرف دولت ایران در آنجا حکومت مروی داشت. وی نتوانست در مقابل میر معصوم که مروی بزرگ، محیل، مفید، دانا و توانا بود مقاومت کند، لذا در جنگی که بین او و میر معصوم حاکم بخارا روی داد شکست خورد و کشته شد، و حکومت به پسرش محمد حسین خان رسید.

محمد حسین خان چندی به حکومت مرو مشغول بود، و میر معصوم هم در ظاهر با او معاشات می کرد تا اینکه با هجوم به مرو و کشنیر آن، محمد حسین خان او را با اعیان خاندانش به اسپسری به بخارا برد. وی مدتی در آنجا ماند تا اینکه برادرزاده اش، باقر خان، از بخارا فرار کرد و به ایران پناهنده شد. میر معصوم نسبت به محمد حسین خان بدگمان شد، و تصور کرد که او برادرزاده اش را به این گسار و ادانشه است. میر معصوم قصد کشتن محمد حسین خان را نمود، ولی او مخفیانه با پای برته از خانه محاصره شده خود فرار کرد. وی مدتی در اطراف بخارا مخفی بود، سپس به شهر سبز و از آنجا به اورات نیت رفت. فرمائند اورات نیت از ترس میر معصوم، او را برادرزاده اش را در ۲ پاز تجارتنی گذاشت، و به عنوان سال



والخاندان الاکرم السلطان فتحعلی شاه قاجار - خلد الله ملکه و سلطاته و انقاض علی العالمین بره و احسانه - حرره محمد مهدی سنه ۱۳۳۲.

ظاهراً تاریخ ۱۳۲ غلط و صحیح آن ۱۳۳۲ هـ.ق است. بعد از عبارات فوق، ۱۷ بیت شعر فارسی به خط ویز مقشوش شده، که مقطع اشعار ماده تاریخ آن چنین است:
منش طبع صبا از پی تاریخش گفت

که مدرسه سزد این مدرسه را اندویدی^{۱۱}
این مسجد و مدرسه در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۳۴ هـ.ش و ذیل شماره ۲۱۲، در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسید.^{۱۲}

موقوفات مدرسه و مسجد مروی

تا آنجایی که نگارنده بررسی کرده است، مدرسه و مسجد مروی چندین وقفنامه دارد، که از سوری بانی و دیگر خیرمدان، املاک مختلفی وقف بر مسجد و مدرسه شده است، که در اینجا به معرفی این وقفنامه‌ها و آثار وقف بر مدرسه می‌پردازیم.

اولین وقفنامه، متعلق به مرحوم خان مروی است. اصل این وقفنامه، هم اکنون در مدرسه مروی نگهداری می‌شود. رونوشتی از این وقفنامه در بخش نسخه‌های نفیس مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) وجود دارد، که صورت بخشی از موقوفات مدرسه مروی در آن ثبت است. در صفحه چهارم این وقفنامه، انتهای از زبان فتحعلی شاه است که ضمن توصیف تمجید از خود، خان مروی و مدرسه او، به معاف بودن این مجموعه موقوفه از تکالیف و لحمیات توصیه کرده است. این وقفنامه در ۲۸ صفحه تنظیم شده است.^{۱۳}

بر اساس این وقفنامه، خان مروی پس از ساختن مدرسه بزرگ، آن را بر طلبه علوم دینی وقف کرد: «وقف مؤید و حبس مصلح فرسودن ثمره الی الله و طلباً لمرغباته، یک باب مدرسه بزرگ واقع در مقابل دولتسرای خود را... از مدرسه و حجرات بزرگ و کوچک و سایر متعلق بها از کتب و فروش و

وسط هر جنبه، سایر قسمتهای اطراف صحن مشتمل بر شبستانهایی است که برای اقامه نماز در فصل زمستان یا محل اقامه نماز چندین امام جماعت احداث می‌گردد اند. از طرفی، در مدارس قدیم عموماً غیر از ایوانهای چهارچنانب صحن، بقیه جنبه چهارسوی حیاط، حجره‌ها و اتاقهای مخصوص سکونت طلاب را در یک طبقه یا ۲ طبقه می‌ساختند، و جلوی هر اتاق هم ایوان کسوتکی ترتیب می‌دادند. چنین ساختاری به دلیل منظم تر بودن منظر داخلی مدارس قدیم و به لحاظ معماری و رعایت زیبایی و تناسب بنا، بیشتر طرف توجه بینندگان واقع می‌شده است. بدیهی است، مدارس علمیه نیازمند محلی برای اقامه نماز بودند، و عموماً به فراخور اهمیت هر مدرسه، مسجدی نیز در آن ساخته می‌شد؛ همچنانکه در بعضی مساجد مهم و بزرگ نیز قسمتی را برای سکونت طلاب اختصاص می‌دادند یا مدرسه‌ای متصل به مسجد بنا می‌کردند. در عین حال، مدرسه علوم دینی ممکن است دارای شبستان، گنبد و مناره باشد. در ضمن، در گوشه و کنار محوطه مدرسه علوم دینی و به فراخور وضع محوطه آن، محللهایی برای تدریس طلاب (مدرس)؛ کتابخانه و دیگر نیازهای مدرسه ساخته می‌شد. از اینجه مدارس قدیم علوم دینی به صورت اصلی و اولیه که دارای جنبه تاریخی و اهمیت هنری - معماری مسجد و مدرسه باشد، تعداد زیادی در تهران باقی نمانده است.

از جمله این مدارس، مدرسه مروی است که ایوانی بزرگ و مدرسی در طرف شمال صحن دارد.^{۱۴} در واقع مدرسه مروی از ۲ مدرسه کوچک و بزرگ تشکیل شده است. مدرسه کوچک در ضلع جنوب غربی و مدرسه بزرگ واقع است، و کسی قبل از مدرسه بزرگ بنا شد. این ۲ مدرسه با مساحت کفی ۲۵۰۰ متر مربع با شماره پلاک ۲۷۳۰، در بخش ۹ تهران واقع است. صحن این مدرسه مربع مستطیل و دارای طول شمالی، شامل حجره‌ها، ۳ مدرس، یک کتابخانه، چند باغچه مشجر و حوض بزرگ در وسط حیاط است.

در قسمت جنوبی صحن، ایوان و شبستان بزرگی است مشتمل بر محرابی رفیع که آب انبار بزرگی برای استفاده عموم در جلورخان و زیر آن بنا شده، که فعلاً متروک مانده است. در ورودی مدرسه رو به جنوب در میدان با جلورخان مدرسه باز می‌شود. راه ورود به مسجد نیز از همین در است.^{۱۵}

مدرسه ۳۴ حجره سنی و ۸ حجره نازه‌ساز دارد.^{۱۶} آثرینیات و کاشیکاری که کتیبه‌ها، اشعار عالمانه و نام فتحعلی شاه و خان مروی (فخرالدوله) بر آنها مرسوم شده، زینت بخش دیوارهای شمالی مدرسه است. بر کتیبه ایوان مقشوش است:
بسم الله الرحمن الرحیم، قد تم هنا البنیان القوامه الارکان بتوفیق الله الملک المستعان فی ایام دولة السلطان الاعظم

ظروف و غیره را بر طایفه علوم دینیّه و متعلقات آن، از مقدمات علوم و مسجدین صیغی و شوری و میرزا [دستوری] و حوضهای واقعه در حوض مدرسه و میرزا بر طایفه و سایر مسلمین و اتباع واقع در دهلیز مدرسه را به حراست ظروف و فروش و سایر اسباب و متعلقات مدرسه و مسجدین و اسباب طلبه و مطبخ واقعه در زاویه مدرسه را به طایفه طلبه و کسانی که در اوقات شریفه، نغمه داری سید الشهداء - صلوات الله علیه - کنند و کسانی که طلبه را در مدرسه اطعام نمایند و دو حجره واقعه در دهلیز مدرسه واقعه در سمت ایمن را بر مؤذن و آیدستاندار [آفتابه دار] و سمت ایسر بر خادم مدرسه و باعدم احتیاج ایشان، بر طایفه ۱۹.



مزبور که آقا باها و سایر ورثه حاج آقا جانی بقال به واثق فروخته است، یک طغرا ۱ قبالة یک قطعه زمین که کرلای محمد جعفر عصار به وکالت ورثه مرحوم آقا محمد کریم طهرانی به واقف فروخته است، یک طغرا ۱ قبالة ثمن مشاع از ۳ دانگ باغ، پنخچال و خانه که محمد جعفر خان به وکالت زوجه خود، همشیره مرحوم حاجی علیغی خان، به سرکار جناب واقف فروخته است، یک طغرا ۱ قبالة ثمن مشاع از ۳ دانگ باغ و پنخچال که میرزا علیرضا یزدی به وکالت همشیره مرحوم علیغی خان و میرزا فخرالدین احمد به وکالت زوجه مرحوم مزبور به واقف فروخته شده است، یک طغرا ۱ پنخچال یک قطعه زمین مزبور که از آقا علی اسفندی به آقا کریم طهرانی منتقل شده است، یک طغرا ۱ مصالحه نامچه اعیانی مدرسه از بابت آنچه استاد آقا بابای معمار میباشد بوده است، یک طغرا ۱ قبالة ربع مشاع از باغ و پنخچال و خانه ای که حاج عبدالرحیم خان یزدی به سرکار جناب واقف فروخته است، یک طغرا ۱۵.

طبق وقفنامه، درآمدهای املاک و رقبات فوق چنین باید تقسیم شود: یک عشر متولی، نیم عشر ناظر و نیم عشر مدرس. در صورتی که مدرسه، مسجد تاپستانی، میرزا، مطبخ، انبار و خود املاک و رقبات، کتابها، فرشها و ظروفها، به دلیل استفاده زیاد یا بدون استفاده معیوب یا تلف شده باشد، باید از طرف متولی تمسیر، اصلاح یا تعویض شود. علاوه بر آن، متولیان و محسوق ۲ خادم، یک خادم باشی، هزینه روشنائی میرزا، منسازج مستمره املاک از قبیل پلور، مصالح املاک و حواجب باغبان باید پرداخت شود. بر اساس وقفنامه ها، باقی منافع و درآمدها بر هر ماه تقسیم، و در آخر هر ماه بر حسب نظر و صلاح متولی میان طلاب ساکن مدرسه تقسیم کنند. اگر سهم طلاب به لحاظ کمی آنها یا زیادی درآمدها بیشتر شود، متولی من بابست آن را برای خرید کتابهای روایی و فقهی قضا و وقف بر مدرسه، هزینه کنند.

موقوفات و رقبات مدرسه کوچک، جدای از موقوفات مدرسه بزرگ است. حاجی محمدحسین خان مروی زمین این

حاج محمد حسین خان مروی پس از آنکه مدرسه بزرگ و مسجد را به طلاب وقف کرد، املاک و رقبات ذیل را وقف بر مدرسه بزرگ نمود که عبارتند از: قریه صادق آباد - ورامین - با قلعه، دهکده، قنوات، انبار، جدول، باغ، بیوتات و حمام بالتمام و اراضی باغ واقعه در جنب عمارات جناب واقف محلود به حدود اربعه بالتمام به انضمام یک روز آب از قنات مهر جرد در گردش هفته، پنخچال واقعه در جنب مدرسه به انضمام یک باب خانه که بر روی پنخچال مزبور است، حمام واقعه در جنب مدرسه موقوفه، و حمام واقعه در جنب عمارات جناب واقف.

قبایله ها و پنجاههای زمین مدرسه بزرگ و موقوفات آن بر اساس وقفنامه خان مروی، عبارت است از: یک باب زمین مدرسه، حمام کوچک و خلوت اسماعیل خان، قبالة یک قطعه زمین که از میرزا ابوتراب و میرزا آقا به اللهیار خان علیچی منتقل و در حوض قیالة اللهیار خان به سرکار جناب واقف فروخته است، یک طغرا ۱ قبالة یک قطعه زمین که میرزا بزرگ فراغانی به سرکار جناب واقف منتقل نموده است به عنوان مصالحه، یک طغرا ۱ قبالة ۳ دانگ از ۶ دانگ یک قطعه زمین که محمدصادق و سایر ورثه کرلای قاسمعلی بقال به واقف فروخته است، یک طغرا ۱ قبالة ۶ دانگ صادق آباد که جعفرقلی خان نویسی (نوابی) به سرکار جناب واقف فروخته، یک طغرا ۱ پنخچال ۲ رشته قنوات از قنوات صادق آباد که مشهور به دو بردان است که از آقا میرزای ولد و وکیل قویابعلی خان مشهور به بیگلرخان تیل سر به جعفرقلی خان نویسی منتقل شده، یک طغرا ۱ قبالة ۳ دانگ مشاع پنخچال و خانه ای که بر روی آن واقع است که واقف از میرزا اسماعیل ناظر ایتیماع فرموده اند، یک طغرا ۱ قبالة ۶ دانگ باغی که از میرزا اسماعیل ناظر خریداری شده، یک طغرا ۱ پنخچال ۳ دانگ مشاع از باغ، پنخچال و خانه ای که بر روی آن واقع است که ورثه حاج آقا جانی طهرانی به حاج علیغی خان یزدی فروخته است، یک طغرا ۱ قبالة ربع مشاع از ۳ دانگ باغ، پنخچال و خانه مزبور که حاجی زین العابدین خان، برادر حاجی علیغی خان یزدی، به واقف فروخته است، یک طغرا ۱ قبالة ۳ دانگ دیگر از زمین

طغرا. ۱۹. تولیت دکانین فوق براساس وقتنامه، با متولی مدرسه است. ۲۰.

وقفنامه دیگر مدرسه، متعلق به حاجیه نه نه، حشر حاجی میر تقی لاریجانی است که در زمان تولیت حاجی ملا میرزا محمد در ۱۷ جمادی الاولی سال ۱۲۷۱ هـ. ق. تماس اعیانی شش دانگ یک باب دکان به اتقسام نصف طاق راسته بازار را وقف بر آب انبار مدرسه کرد.



وقفنامه سوم، مربوط به حاجی ملا وهابعلی است که قریبه حصارین دماوند را در رجب ۱۲۹۹ هـ. ق. وقف بر مصارف مقرره مسجد و مدرسه کرد. ۲۱.

وقفنامه چهارم مدرسه، متعلق به مرحوم شیخعلی خان شفتی زشتی، فرزند شیخ جمال الدین خلیفانی است که ۲ قطعه از زمینهای زراعی خود را در چوپورشتفت، از دوستشاهای شهرت، وقف مدرسه خان مروی کرد. وی یکی از استادان قدیم این مدرسه نیز بوده است. ۲۲. براساس آسانی که در سال ۱۲۶۹ هـ. ق. و در زمان صفارات امیرکبیر از تهران گرفته شد، املاک ذیل وقف بر مسجد و مدرسه مروی بود: موقوفات در پانوی محله عربها و حیاط شاهی؛ دکان خانی ۳ باب، وقف آب انبار و مسجد ۲۰ باب دکان، یک باب علانی و یک باب بغالی وقف مدرسه مروی ۲۲، آستانه ای در ۳ باب ۱۹ موقوفات

مدرسه را که از موقوفات چهارده معصوم (ع) است، به مبلغ معین از مجتهد جامع الشرائط وقت تهران برای ۱۰۰ سال اجاره کرده، و مدرسه کوچک را کنار مدرسه بزرگ ساخت. وی این مدرسه را نیز وقف طلاب کرده، و برخی از املاک، کتابها، فرشها، و ظرفها را جداگانه بر آن وقف نمود. وی مقرر داشت که درآمدهای املاک موقوفه را بعد از دادن کسر حقوق متولی و ناظر، پانزده مدرسه کوچک، خلوت صلح مدرسه و ۳ باب خانه موقوفه و مسجد زمستانی و خود املاک، کتابها، فرشها و ظرفهای وقفی احتیاج به تعمیر داشته باشد، باید منافع املاک موقوفه را جهت اصلاح و تعمیر هزینه کرد، سپس باقیمانده را براساس تقسیم ذیل در مصارف معینه تقسیم کرد: موجب یک نفر فرانس، مستحفظ خلوت مذکور، یک نفر خادم مدرسه و مسجد زمستانی، و روشنایی خلوت. در صورتی که پس از هزینه موارد مذکور مبلغی باقی بماند، و اوقف دستور داده است تا همچون مدرسه بزرگ، مبلغ اضافی را بر تعداد مباحث سال تقسیم کنند، و قسط هرماه را در آخر همان ماه میان طلاب تقسیم نمایند. تولیت و نظارت این مدرسه نیز بامتولی و ناظر مدرسه بزرگ است. ۱۷.

محمدحسین خان برای احتیاط در مواقع کم آب، چاه آب متصل به مدرسه را برای مصارف شرب و حمام طلاب وقف مدرسه کرد. طبق میان اوقف، زمینی که چاه در آن قرار دارد به اتقسام مدرسه کوچک، وقف سرکار چهارده معصوم (ع) است. و اوقف در متن وقفنامه تصریح کرده که زمین مزبور را از مجتهد جامع الشرائط براساس اجاره نامه علی حده، صدساله اجاره و بر چاه ۲ مسجد مدرسه وقف کرد. وی مقرر داشت تا هر سال بعد از وضع مال الاجاره زمین و یک عشر حق التولیه و نیم عشر حق النظاره، منافع حاصل از املاک و دکانها، در لایروبی و کندن چاه، روشنایی ۲ مسجد و مدرسه، موابج مؤذن و فرانشها، هزینه شود. ۱۸.

املاک وقف شده بر منبع آب و ۲ مسجد مدرسه مروی عبارتند از: قبایله شش دانگ یک باب دکان علانی که میرزا علی محمد طهرانی به حاج حسینی بنگدار طهرانی فروخته و در ظاهر همان قبایله حاجی حسینی مزبور به سرکار جناب اوقف فروخته است، یک طغرا، قبایله شش دانگ یک باب دکان خیابازی که ملا محمد کرمانشاهی حسب الوصیه محمد شایع بیگ به آقا سیدمحمد طهرانی فروخته است و آقا سید محمد به اوقف فروخته است، یک طغرا، قبایله یک باب دکان کبابی که آقا محمد حسین طهرانی به استاد محمدبنای طهرانی فروخته و در ظاهر آن استاد محمد به حاج حسینی بنگدار طهرانی فروخته و در حشر آن حاجی حسینی مزبور به اوقف فروخته است، یک

مدرسه مروی در بازار ۹۰ باب یک باب تنباکو فروشی، یک باب ارسس دوزی، یک باب کلاهدوزی، یک باب تنباکو فروشی، یک باب قطعه فروشی، یک باب چینی فروشی، یک باب زرگری، یک باب کفشدوزی، یک باب زرگری و شپاشی، یک باب گیره فروشی. ۲۵

بر اساس آسازی که اخضر علی شاه در سال ۱۳۱۷ هـ. ق و در عهد مظفرالدین شاه از تهران به عمل آورد، املاک ذیل وقف بر مدرسه بوده است: یک باب کاروانسرا در محله دولت، پانوق نایب محمدعلی در گذر محمد ۲۶ یک باب خانه در محله دولت، پانوق نایب غلامرضا در گذر مهدی پلیس ۲۱۲۷ باب خانه و حمام در محله دولت، پانوق نایب غلامرضا در گذر عبدالله پلیس ۲۸ شش باب دکان در محله چالمیدان، در پانوق حاجی رحیم در پشت باغ پسته یک به سمت حمام غرقانی ما ۲۹ بر اساس این آمار، مدرسه در حوزه استحفاظی نایب غلامرضا و گذر عبدالله پلیس قرار داشت. ۳۰

املاک وقفی مدرسه که به ثبت رسیده است عبارتند از:
 ۱. ۱۷ باب دکان واقع در بخش ۸ تهران، به شماره پلاکهای: ۷۶۴، ۷۶۷، ۷۷۱، ۸۹۹، ۹۰۰، ۱۱۱۵، ۱۱۱۷، ۱۱۳۵، ۱۱۳۷، ۱۲۱۲، ۲۱۲۷، ۲۱۲۸، ۶۸۹۵ و ۷۲۸۶

۲. ۴۲ باب دکان واقع در بخش ۹ تهران، به شماره پلاکهای: ۸۹۸، ۹۱۰، ۹۱۴، ۹۱۷، ۹۱۹، ۹۲۱، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۶، ۹۲۸، ۹۲۹، مکرر، ۹۵۰، ۹۵۳، ۹۵۴، ۲۹۶۷، ۳۳۸۲، ۲۵۸۲، ۲۵۸۷، ۲۵۹۲، ۲۵۹۵، ۲۵۹۷، ۲۵۹۹، ۲۶۰۳، ۲۶۰۵، ۲۶۰۶، ۲۷۲۶، ۲۷۲۹، ۲۷۳۱، ۲۷۵۲، ۶۲۷۸ و ۶۲۷۹

۳. ۲ باب کاروانسرا واقع در بخش ۹ تهران، به شماره پلاکهای: ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۲۰، ۹۲۷، ۹۲۷، ۹۵۱، ۹۵۲

۴. عرصه ۲۰ باب خانه واقع در بخش ۹ تهران، به شماره پلاکهای: ۹۲۵، ۹۳۸، ۹۴۰، ۹۴۳، ۹۴۹، ۹۵۱ مکرر

۵. یک باب قهوه خانه واقع در بخش ۹ تهران، به شماره پلاک ۹۲۹

۶. ۳ باب خانه واقع در بخش ۹ تهران، به شماره پلاکهای: ۲۹۶۶، ۲۹۶۸، ۲۶۰۳

۷. یک باب گرمابه واقع در بخش ۹ تهران، به شماره پلاک ۲۹۱۶

۸. قریه فنی آباد واقع در غار (قار) در بخش ۱۲ تهران

۹. ۲۶ باب دکان جدید البتاء، واقع در اوایل خیابان پانصار

۱۰. یک دستگاه عمارت فوقانی جدید البتاء واقع در بازارچه مروی

۱۱. ۱/۵ دانگ مسفوز از ۶ دانگ قریه حصارین واقع در دماوند

۱۲. ۳ قطعه زمین مسزوعی به انضمام ۲ ساعت آب درگرددش ۱۱ و ۱۲ از فسات کهریز واقع در تهریس ۳۱
 در قدیم، مسجد این مدرسه دارای زیلوهای بود که از طرف

آقامیرزا احمد آشتیانی بر این مسجد وقف شده، و در حاشیه آن نوشته شده بود: «وقف کرد آقای آقامیرزا احمد آشتیانی از موقوفه حصار بر مسجد و مدرسه مروی ۱۱۳۵۲. ۳۲»
 همچنین طبق نص صریح وقفنامه، محمدحسین خان مروی مقرر کرد که هیچ فردی نباید برای تصرف موقوفات یا متولی و ناظر مدرسه نزاع کند. ۳۳

متولیان مدرسه و مسجد مروی

از وقفنامه مدرسه مستفاد می شود که خان مروی در زمان حیات خویش، تولیت مدرسه و متعلقات آن، ۲ مسجد، املاک و موقوفات آنها - به استثنای کتابخانه - را به حاج میرزا سیح نهرانی، فرزند ملا بابای استرآبادی، سپرد. ۳۴ حاج میرزا سیح نهرانی علاوه بر تولیت مدرسه و مسجد مروی، امام جماعت مسجد جامع تهران نیز بود و همواره است که مردم را علیه گریباندوف تحریک کرد که به قتل سفیر روس انجامید. پس از این جریان، حاج میرزا سیح مدت ۱۸ سال در تبعید به سر برد تا اینکه سرانجام در سال ۱۲۶۳ هـ. ق در سن ۷۰ سالگی در اصاب عتقه درگذشت. ۳۵

بعد از تبعید حاج میرزا سیح نهرانی، تولیت مدرسه به ملا میرزا محمد انورمانی طهرانی از مجتهدان طراز اول تهران می رسد. اعتماد السلطنه در باب شخصیت او می نویسد: «به واقع، او در ترویج شرح مفلس و کمک به مسلمانان و حل و فصل مشکلات مسلمین بر اساس موازین و قوانین شرع، کوشش فراوان نمود. او بر اکثر علمای دارالخلافه ریاست و تقدم داشته. ۳۶»

سومین متولی مدرسه و مسجد مروی، حاج ملا علی کنی، روحانی برجسته و عالم طراز اول و تائذ الکلمه تهران در عهد ناصر، بود. او در سال ۱۲۲۰ هـ. ق در قریه کن از قرای حومه غربی تهران به دنیا آمد. وی مقدمات را در کن فرا گرفت، و سپس در سن ۲۰ سالگی به عراق رفت و نزد سیدنازیم موسوی قزوینی (د. ۱۲۶۲ هـ. ق) صاحب کتاب «سواطع الاصول» و شیخ محمد حسن نجفی (د. ۱۲۶۶ هـ. ق) صاحب جواهر الکلام به تحصیل فقه و اصول پرداخت. پس سرانجام، وی در صیح روز پنجشنبه ۲۷ محرم سال ۱۳۰۶ هـ. ق در تهران در سن ۸۵ سالگی درگذشت، و در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد. ۳۷ اعتماد السلطنه در کتاب خاطراتش با تمجید از نظم و تربیتی که حاج ملاعلی کنی به مدرسه و مسجد داد، از مجلس ختم وی، در مسجد مروی یاد می کند. ۳۸

پس از درگذشت حاج ملا علی کنی، تولیت مدرسه به پاس خدماتی که میرزا زین العابدین امام جمعه به شاه کرده بود، بنو نفوس شد. ۳۹

حاج میرزا حسن آشتیانی پنجمین متولی مدرسه مروی است. وی حدود سال ۱۲۸۸ هـ. ق در آشتیان به دنیا آمد و در



همانجا خواندن و نوشتن را آموخت، و در ۱۲ سالگی به بروجرد رفت. وی طی ۲ سال اقامت خود در بروجرد، از محضر استادانی همچون علامه سیدشفیع جاہلانی (د. ۱۲۸۰ هـ. ق) استفاده کرد، و سپس به نجف اشرف رفت، و از محضر شیخ مرتضی انصاری بهره برد. پس از فوت شیخ انصاری (د. ۱۲۸۱ هـ. ق)، در سال ۱۲۸۲ هـ. ق به تهران بازگشت، و در منطقه گلریندک ساکن شد. از همین منزل نهفت مذہبی - سیاسی سردم علیه واقعہ رزی را که بر اساس حکم میرزا شیرازی شروع شده بود، و هبیری کرد. از حاج میرزا حسن آشتیانی آثار متعددی باقی مانده است، که از آن جمله می توان به رسالہ فی الاجزاء، رسالہ فی حکم اللباس المشکوک رسالہ فی نکاح العریض اشاره کرد. وی در سال ۱۳۱۹ هـ. ق در تهران وفات یافت، و جنازه اش به نجف اشرف منتقل و در مقبره حاج شیخ جعفر شوشتری به خاک سپرده شد.^{۲۱}

حاج شیخ مرتضی آشتیانی، هشتمین متولی مدرسه و مسجد مروی است. او یک شب پس از فوت مرحوم شیخ انصاری به دنیا آمد، و از این رو او را به احترام آن فقیه بزرگ شیخ مرتضی نامیدند. وی سر ارشد مرحوم حاج میرزا حسن آشتیانی بود و مدتها در مشهد زیست. در جریان مشروطه و پیرو فقیه بانک روس و حوالاتی که منجر به لغو امتیاز آن شد، نقش بسزایی داشت.^{۲۲} بعد از هجرت صفیری، عین الدوله برای ضمیمه کردن روحانیان مخالف و تشویق روحانیان دست نشانده، تولیت و سرپرستی برخی از مدارس و مساجد را به اطرافیان و انگلار کرد. از جمله این مدارس و مساجد، مدرسه مروی بود که تولیت آن را از شیخ مرتضی آشتیانی گرفته و به امام جمعه داده شد. امام جمعه یک روز پس از تصدی، جشن باشکوهی در مدرسه برگزار کرد و از شیخ فضل الله نوری و عده ای از طلاب دعوت به عمل آورد. در این مراسم که از مدح و تعریف با شیرینی و شربت پذیرایی می شد، آقا سید صالح کرمانشاهی در

بالای منبر حکم شاه را درباره واگذاری مدرسه به امام جمعه خواند، و تالیفات السادات نیز درباره امام جمعه نطق مفصلی کرد.^{۲۳} اما سرانجام در پی وقایع مشروطه و درخواست مشروطه خواهان، این مدرسه مجدداً به مرحوم شیخ مرتضی آشتیانی برگردانده شد. شیخ مرتضی آشتیانی سرانجام در سال ۱۳۶۵ هـ. ق در سن ۸۵ سالگی در مشهد درگذشت، و در پایین پای مبارک حضرت رضا (ع) در حرم مطهر مدفون شد.

وی نقاشی زیردستی نیز بود که آثار فراوان برجای مانده از او، در محل مجلس شورای ملی قدیم نگهداری می شود.^{۲۴}

هشتمین متولی مدرسه مروی، مرحوم حاج میرزا احمد آشتیانی است. وی چهارمین و کوچکترین پسر میرزا حسن آشتیانی است، که در سال ۱۳۰۰ هـ. ق در تهران دیده به جهان گشود، و پس از فراگرفتن ادبیات فارسی و عربی، در خدمت مرحوم پندر به خواندن سطوح فقه و اصول پرداخت. وی از محضر علمای دیگری همچون آقا میرزا هاشم رشتی، آقا میرزا حسن کرمانشاهی، آقا شیخ محمد رضا نوری و آقا سید محمد یزدی، علوم عقلیه و نقلیه را فراگرفت. او در سال ۱۳۲۰ هـ. ق برای تکمیل مدارج علمی، در محاسن عالیات شد، و حدود ۱۰ سال در آنجا اقامت کرد. وی از آیات عظام: میرزا حسن نائینی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آقا شیخ فہاء الدین عراقی، سیدابوالحسن اصفهانی و حاج آقا حسین بروجرودی اجازہ اجتهاد داشت و بیش از ۶۲ جلد کتاب در زمینه های مختلف اصول، منطق، هیئت و نجوم به نگارش درآورد. او طبعی در شعر داشت، و در اشعارش ذواله تفصیل می کرد. در زمینه سطوح نیز آثار ارزشمندی از وی بر جای مانده است. سرانجام وی در روز شنبه ۳ شنبه ۱۳۵۲ ش/ ۱۴ جمادای الثانی ۱۳۹۵ هـ. ق در سن ۹۵ سالگی درگذشت، و در حرم حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.^{۲۵}

حاج میرزا محمد باقر آشتیانی، نوزدهم شیخ احمد آشتیانی، هشتمین متولی مدرسه مروی از بدو نامیس آن است. او در سال ۱۳۲۳ هـ. ق متولد شد و پس از تحصیل مقدمات در نزد پدر، در سال ۱۳۲۰ هـ. ق به حوزه علمیه نجف رفت. وی از محضر استادانی همچون آیات عظام: آقا فہاء الدین عراقی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی و میرزای نائینی بهره برد. وی از بازگشت به تهران، در مدرسه مروی به تدریس فقه، اصول و محفل مشغول شد که این تدریس تا اواخر عمر ادامه داشت. وی ۳۳ جلد کتاب نگاشت، که از میان آنان ۲ رسالہ الاحیاء موتی و «ارت» به چاپ رسیده است. او در زمان حیات پدر و از طرف ایشان، اداره امور مدرسه را برعهده داشت، و پس از رحلت پدر در سال ۱۳۹۵ هـ. ق متولی مدرسه مروی شد.^{۲۶} وی در رسیدگی به امور طلاب جدیت زیادی نشان می داد تا طلاب از وظایف طلبگی تخطی نکنند، او در صورت تخطی طلاب به آنها تذکر می داد و اگر خطایی می دید آن طلبه از

سرتاجام، وی در تاریخ ۱۱ ذیحجه سال ۱۲۰۲ ه. ق. درگذشت، و دو مرفد حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد.

آیت الله محمدرضا مهدوی کنی، نهمین متولی مدرسه و مسجد سروری است. وی در سال ۱۳۱۰ ه. ش. در تهران روستای کن و در خانواده ای مذهبی بدنیا آمد. آیت الله مهدوی کنی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، فروس حوزوی را از حوزة مدرسه لرزاده که ریاست آن با شیخ علی اکبر برهان بود، شروع کرد. در سال ۱۳۲۸ وارد حوزة علمیه قم شد، و از محضر استادانی همچون امام خمینی (ره)، حاج آقا حسین بروجردی، سید محمدرضا گلپایگانی و سید محمدباقر سلطانی بروجردی کسب فیض نمود. وی در سال ۱۳۲۰ به تهران آمد، و علاوه بر اقامه نماز در مسجد جلیلی تهران، روزها در مدرسه سروری نیز به تدریس اشتغال داشت. پس از فوت میرزا محمداقرا آشتیانی و بنابر حکم امام (ره) در ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ به تولیت مدرسه و مسجد برگزیده شد. متن این حکم بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدرضا کنی - دامت افاضاته -

با حسن تقییر و مدیریت و وثاقت و امانت که در جناب عالی محرز است، مناسب دیدم برای تصدی امور مدرسه با تمام متعلقات آن از موقوفات و غیره، به جناب عالی زحمت دهم. لکن، جناب عالی را به سمت متولی مدرسه سروری و موقوفات و کتابخانه و آنچه متعلق به آن است، منصوب نمودم. امید است خداوند تعالی به جناب عالی توفیق مرحمت فرماید در تمشیت امور آنجا، بخصوصاً تقویت جنبه های علمی و تقویمی و تربیت فضلاء و علما، ان شاء الله تعالی. همسایه و مدرسین تهران - فامت برکاتهم - کوشش نمایند در تعلیم و تربیت طلاب محترم مدرسه و با وقت و آمد خودشان - چنانچه سیره سلف صالح رحیمم الله بود - این مدرسه را با علم و عمل روشنی ببخشند. از خداوند تعالی تأیید و توفیق جناب عالی را خواستار و امید است با عنایات خاصه بشیخه الهه - ارواحنا لمقدمه الفداء - در این مقصد مهم شرعی کتابیاب باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته
روح الله الموسوی العینی

طبق شرایط مندرج در وقتنامه، واقف و وظایفی را به شرح ذیل برای متولیان مدرسه تعیین کرده است:

۱. در هر یک از حجره های مدرسه نهمین پیشتر از ۲ نفر ساکن شوند، به استثنای ۵ حجره کوچک که ۲ حجره آن در جنبین ۲ ایوان شرقی و غربی است، و آخرین آن مشعل به مدرسه کوچک جلد می باشد که در هر کدام یک نفر باید ساکن باشند.

۲. طفل غیر معیز را در مدرسه نهباشی جای دهند. همچنین در حجره جوان معیز، نباید فرد دیگری ساکن شود.
۳. در صورت امکان و دو هر یک از حجره ها، لازم است یک نفر از محصلان در شب بنبوت کند تا حجره خالی نماند.
۴. در صورتی که یکی از محصلان بدون عذر شرعی غایب شود، از آن پس دیگر بر آن حجره حقی ندارد، و اگر ۲۰ روز غیبت داشته باشد، حتی با وجود عذر شرعی، دیگر حقی برای او در استفاده از حجره نیست و باید به دیگری داده شود.
۵. اگر طالب علمی به جهت شرعی از دیگری برتر باشد، لازم است متولیان مدرسه او را در مدرسه جای دهند و کسی را که به جهت از جهات شرعی پایین باشد، بیرون کند. در صورت امتناع، آن فرد غاصب است.

۶. به استثنای محصلان علم، کسانی را که داخل مدرسه می شوند، نباید بیش از یک ساعت نگاه داشت.

۷. هرگاه در مدرسه نقصانی ایجاد شود، متولی باید منافع املاک موقوفه را صرف بازسازی آن نماید، حتی اگر چندین سال طول بکشد. در این مدت بجز متولی، ناظر، مدرس و خدام، کسی دیگر از منافع سهمی ندارد.^{۲۸}

ناظر مدرسه و مسجد مروی و وظایف آن

بر اساس وقتنامه: «مراد از نظارت، نظر کردن در موقوفات مدرسه و توجه بر اهل مدرسه از کتب و غیره وقف شده است، می باشد. و هرگاه در امور متعلقه به مدرسه خللی در میان متولی و ناظر واقع شود، متولی مستقل است. و بعد از فوت ناظر نظارت بهمان بعد بطن با ولد او است البته در صورتی که عادل بصیری باشد، و الا کسی دیگری که حاکم شرع تعیین نماید. و اگر حاکم شرع علو خواست، عده ای از مؤمنان ناظر را تعیین کنند». خان مروی در زمان حیات، نظارت مدرسه و سایر موقوفات، مدرسه را به ملا محمدعلی طهرانی واگذار کرده بود.^{۲۹} در دوره ناصری شیخ محمد حسن ناظر که از فقه های وقت بود، نظارت مدرسه را برعهده داشت.^{۳۰}

کتابخانه مدرسه مروی

تاریخ تأسیس کتابخانه مدرسه واقع در ضلع شمال غربی، با تاریخ بنای مدرسه یکی است. بهاس مدرسه از روز اول به فکر کتابخانه و تهیه کتابهای لازم برای علما و طلاب بود، و تعداد زیادی از کتابهای این کتابخانه توسط او خریداری و تهیه شد. بر اساس وقتنامه، کسی نمی تواند کتابی از کتابهای موقوفه را بدون اجازه متولی و ناظر یا بر اطلاع مدرس یا جمعی از ثقات طلبه بیرون ببرد، خواه از طلاب این مدرسه یا مدرسه دیگر باشد. در صورت داشتن اجازه، بیش از یک شبانه روز نمی توان کتاب را در خارج نگاه داشت، مگر متولی که بنابر مصلحت شرع مجاز است. در وقتنامه تصریح شده است که اگر کتابی تلف یا مفقود شود، متولی بایشی - در صورت امکان

دولت عین الدوله ۲ تن از بازاریان سرشناس را به خاطر گرفتاری قند چوب زد، تاجار و کسبه فردای آن روز بازارها را بستند و در مسجدشاه تجمع کردند. در این تجمع که علما نیز حضور داشتند، سیدجمال واعظ به وعظ پرداخت. در حین وعظ میرزا ابوالقاسم امام جمعه و اطرافیانش با توطئه‌ای از پیش طراحی شده، سید جمال را از منبر پایین کشیدند و شروع به کتک زدن جمعیت داخل مسجد کردند. علمای حاضر در مسجد همچون بیهوشانی، طباطبائی، صدرالعلما و شیخ مرتضی آشتیانی، به مدرسه مروی رفتند و تا ساعت ۳ بامداد در آنجا پناه گرفتند. ۵۵

۲. واگذاری تولیت مدرسه به میرزا ابوالقاسم امام جمعه: همان طور که در پیش گذشت، در جریان مهاجرت صفی‌رای علما، دولت وقت برخی از مساجد و مدارس را از افراد مشروطه خواه و طرفدار مشروطه گرفت و به دولتیان سپرد. از جمله این مدارس و مساجد، مدرسه مروی بود. این حرکت دولتیان در نظر مردم خیلی ناپسند واقع شد، به نحوی که در نماز جماعت میرزا ابوالقاسم امام جمعه در مسجد شاه که شیبا قریب ۵۰۰ نفر می‌ایستادند، پس از این جریان، ناگهان به قریب ۲۰ نفر رسید که آنان هم از اجزاء و اتباع خود امام جمعه بودند، مردم نیز با ارسال نامه‌ها و اعلامیه‌هایی به علمای اعلام، این اقدام دولت را محکوم کردند. ۵۶

۳. مدرسه مروی و درخواست مهاجران از دولت عین الدوله: از میان هشت مورد درخواست مهاجران از دولت عین الدوله، یکی هم بازگرداندن مدرسه مروی به متولی آن مرحوم شیخ مرتضی آشتیانی بود که در بند سوم درخواستها کنجنامه شده بود. ۵۷

۲. وقایع سال ۱۳۲۵ هـ. ق: در سال ۱۳۲۵ هـ. ق. در دوره کابینه ناصرالملک، با دبایس سعدالدوله عده‌ای از مستبدان به طرفداری از محمدعلی شاه و مخالفت با مشروطیت در میدان توپخانه جمع شدند. و برخی از رهبران آنان همچون سیدمحمد یزدی و سیداکبرشاه از مشروطه انتقاد می‌کردند.

سرانجام پس از چند روز گفتگو از طرف دیوار، به متحصنان دیدان اطلاع دادند که چادرها را برکنند و برانگند شوند. ۵۸ بعد از آنکه جمعیت میدان متفرق شدند، حاجی شیخ فضل‌الله و حاجی سیدعلی یزدی در حوالی اراک خانه گرفتند. سپس در روز پنجشنبه ۶ دی آنان به همراه شماری از مطلاب، غلامهای کشتیک خانه و حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ نفر به مدرسه مروی رفتند و متحصن شدند. آنها شعار می‌دادند که:

اما دین نبی خواهیم مشروطه نمی‌شویم ۵۹. ۴ در ایامی که آنان در مدرسه متحصن بودند همه روزه سیدعلی آقایزدی و سیدمحمد یزدی به منبر می‌رفتند و در سبزه‌تپه‌های خود مشروطه طلبها را کافر و بای می‌خواندند و مشروطیت را مخالف دین و برخلاف شرع اسلام اعلام داشتند و خود را حامی اسلام و مظلوم قلمداد می‌کردند. آنها برای جمع آوری کمک و اعانه، اعلامیه‌ای در مدرسه تهیه کرده که: ۶۰ هر کس

قیمت آن را از شخصی که کتاب را معیوب کرده است بگیرد، و در اصلاح عیب یا خرید همان کتاب صرف کند. همچنین طبق وقتنامه، متولی بایستی هر سال بخشی از درآمد مدرسه را صرف خرید کتابهای روایی و فقهی نماید، و بر طلبان مدرسه وقف نماید. واقف استناده طلاب متدین تهران را از کتابخانه مدرسه مروی، مجاز دانسته است.

پنج حاجی محمد حسین خان مروی - که تعداد زیادی از نسخه‌های خطی قدیمی مدرسه یادگار او می‌باشد و سیاه‌های از آن در وقتنامه آمده است - اشراف دیگری هم کتاب وقف کتابخانه مدرسه کرده‌اند. سیدحسین قمی یکی از این واقفان است که در سال ۱۳۲۰ هـ. ق. دهها کتاب به کتابخانه مدرسه مروی وقف کرده است. وی ابتدا در قم تحصیل کرده، و پس از فوت پدر به تهران آمد، و در مدرسه مروی حجره گرفت. او در سال ۱۳۲۲ هـ. ق. در تهران درگذشت و در قم مدفون گشت. ۶۲

رضا دانقانی یکی دیگر از وقف کنندگان کتاب است که در سال ۱۲۸۵ هـ. ق. برخی از کتابها را وقف کتابخانه کرده است. شیخ عبدالحسین نامی هم در سال ۱۲۸۷ هـ. ق. تعدادی کتاب وقف بر مدرسه کرده است که البته نباید او را با متولی و پاتی مدرسه و مسجد، شیخ عبدالحسین اشتباه گرفت. ۶۳

این کتابخانه کلاً دارای ۱۰۵۰ نسخه کتاب خطی و ۸۰۰۰ نسخه چاپی است که بیشتر آنها در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی است. فهرست مجموعه نسخ خطی کتابخانه توسط آیت‌الله رضا استادی از استادان محترم حوزه علمیه قم و مدیر حوزه علمیه قم تهیه و در سال ۱۳۷۱ به وسیله مدرسه مروی چاپ شد. ظاهراً، سالیانه یک بار کتابهای کتابخانه را با فهرست کتابها مطابقت می‌کردند. ۶۴

مسجد و مدرسه مروی و رویدادهای تاریخی
۱. وقایع سال ۱۳۲۳: پس از آنکه در روز ۱۵ شوال ۱۳۲۳،



مراسم محرم در مدرسه و مسجد مروی

بنا به نظر واقف مدرسه، مراسم روضه خوانی در ماه محرم از قدیم ایاماً با شکوه خاصی برگزار می‌شد. حتی کسانی دیگری که املاک و رقبانی بر این مدرسه و مسجد وقف کرده‌اند، بخشی از درآمد موقوفات خود را بدین امر اختصاص داده بودند. اعتمادالسلطنه در خاطراتش اشاره می‌کند که طبق نظر واقف مدرسه و مسجد، طلاب مدرسه ایام عاشورا نباید مهمان شوند و به خارج از مدرسه بروند. همچنین طبق نظر واقف، باید هر شب در مدرسه مجلس روضه خوانی باشد و شام داده شود. او در خاطراتش به حضور خود در یکی از شبهای محرم در مدرسه اشاره دارد و می‌نویسد: «... نماز جماعت خوانده شد، بعد از نماز روضه خوانی بسیار خوبی شد، خیلی منظم، خدمتکارهای مجلس تمام معمم بودند، تمام پیشخدمتها آشپز بودند، شام خیلی سفصل خوبی بود...»^{۴۲} در حال حاضر نیز در ایام محرم و در دهه اول، نزدیک به ۲ هزار نفر در مدرسه شام داده می‌شوند.^{۴۳}



در راه خلا به این مشت مردم که محض حمایت شرع در اینجا گرسنه نشسته‌اند، می‌تواند در حدیث‌نماز تا یک تومان امانه بدهد که عبدالله ضایع نخواهد شد.^{۴۴} این در حالی بود که ظاهراً خود متحفظان از دربار پول دریافت می‌کردند. چون شبیه شد که متحفظان در مدرسه در صدد هستند با همان جمعیت به سفارت روس روند تا در آنجا بست نشینند، برخی از وزیران به دیدن حاج شیخ فضل‌الله نوری رفتند و از آنان خواستند که از این کسار خودداری کنند. وزیران از بابت اینکه در انتظار مردم مظلومیت متحفظان مدرسه را معین کنند، ۲۰۰ سرباز در اطراف مدرسه گذارند تا کسی با آنان مراوده نکند. سرانجام در شب چهارشنبه ۱۰ ادی، سران متحفظان تقاضای وزیران دولت را پذیرفتند و همان شب مردم را پراکنند و خود نیز به خانه‌هاشان رفتند.^{۴۵}

۵. قتل مرحوم سیدعبدالله بهبهانی: پس از آنکه مردم از قتل آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی - که در شب شنبه ۹ رجب ۱۳۲۸ هـ. قی اتفاق افتاده بود - آگاه شدند، فردای آن روز برای اعتراض در مدرسه مروی و خانه آن مرحوم اجتماع کردند.^{۴۶}
۶. واقعه ۱۵ سرطان ۱۳۰۲ هـ. ش: در جریان انتخابات مجلس عراق، عده‌ای از علمای اعلام که با انجام انتخابات مخالف بودند، به سفارش دولت انگلیس و توسط دولت وقت عراق تبعید شدند. عده علمای تبعیدی متجاوز از ۳۵ نفر بود که در بین ایشان علمای همچون حاج سید ابوالحسن اصفهانی، حاج میرزا حسین نائینی و حاج شیخ عبدالکریم یزدی به چشم می‌خوردند. پس از انتشار خبر تبعید علما در تهران، از طرف علمای مرکز نیز اقدامهایی به عمل آمد، و صبح و عصر جلساتی به عنوان اعتراض در مساجد تشکیل شد. از آن جمله، در روز ۱۵ سرطان ۱۳۰۲ هـ. ش عزم علما در مسجد مروی جمع شدند، و خطابه‌های مهمی علیه اقدامهای حکومت عراق و انگلیس گفته شد.^{۴۷}



استادان مدرسه مروی

از محسّنات این مدرسه از بند تأسیس، حضور استادان میرزا و برجسته در آن است، که در این بخش به معرفی ایشان می‌پردازیم.



در ۱۰ سالگی مقدمات را فراگرفت. بعد از چندی، به اصفهان رفت، و مدت ۳ سال در آنجا به تحصیل پرداخت. او سپس به تهران بازگشت، ولی مجدداً بعد از ۲ سال به عتبات رفت، و پس از ۲ سال اقامت در عراق به ایران بازگشت. وی ابتدا در مدرسه خان مروری در محضر دوس ملا عبدالله زوزنی به تحصیل معقول مشغول شد. و در نزد علمای دیگر فقه و اصول فراگرفت. در سن بیست سالگی مجدداً به عتبات رفت و از محضر استادان آنجا از جمله آقا سید ابراهیم زوزنی، شیخ مرتضی و شیخ رفیع الله استفاده کرد تا به درجه اجتهاد رسید. او در سال ۱۲۷۷ هـ. ق. از نجف اشرف به تهران بازگشت، و مرجع عام و خاص شد. پس از واگذاری تالیف مدرسه به حاج ملاعلی قتی، او نیز به تدریس در مدرسه مروری دعوت شد و به مدت ۷ سال در آن مدرسه به تدریس علم فقه و اصول مشغول بود. او در اواخر عمر نایبنا شده، و سرانجام در ۳ ربیع الثانی الفاضل دارالخلافت شاگرد او بودند؛ غالباً فصول را در علم اصول عنوان فرار می داد و ریاض را در فقه... در زمان وی تحصیل علوم شرعی به بهترین وجه بود، و بعد از فوت او دیگر آن رونق قبل را نداشت؛ از آنجایی که او در اواسط عمر خود به تدریس در مدرسه مروری پرداخت به «مدرسه» مشهور شد. او در سال ۱۲۹۵ هـ. ق. وفات کرد. ۶۶ ملامهدی حجازی از دیگر استادان این مدرسه است. از آثار او ظاهره تعلیمات و حاشیه‌هایی بر جلد ۱۰ بحار الانوار است. ۷۵

از استادان دیگر مدرسه، حاج میرزا حسن آشتیانی بود که علاوه بر منصب تالیف مسجد و مدرسه، درس نیز می داد. وی یکی از علمای برجسته تهران بود که احاطه فوق العاده‌ای به علم اصول فقه داشت. مرحوم محمد زوزنی در توصیف استادش می نویسد: «در قرون اخیر بعد از مرحوم شیخ مرتضی انصاری، هیچ یک از علمای شایسته در این فن به پای او نمی رسیدند». او در این مدرسه درس فرائد الاصرار را بر عهده داشت. به همین منظور، حاشیه بسیار مبسوط و مفصلی نیز بر فرائد الاصول شیخ مرتضی نوشته بود. ۶۶ از دیگر استادانی که در اوایل قرن ۱۳ هـ. ق. در این مدرسه تدریس داشتند. می توان به زنده یادان آیات و حجج اسلام: شیخ علی نوری مدرس علوم معقول، آقا شیخ محمد شاه عبدالعظیمی مدرس ادبیات، نحو و صرف، شیخ حسین خراسانی مدرس معقول، شیخ محمد باقر معزالدوله مدرس معقول، شیخ محمد تقی نهایندی پسر حاج شیخ عباس نهایندی مدرس فوس معالم، آقا میرزا محمود قس مدرس مدرسه بزرگ، آقا میرزا کوچک ساجی مدرس دوس قوانین و سیدمحمد تقی تنکابنی مدرس دوس قوانین که هر دو از مدرسان مدرسه کوچک خان مروری بودند، سید عبدالکرم لاهیجی مدرس رسمی مدرسه مروری و مدرس دوس قوانین، فصول و مکاتب. ۷۷

برخی از استادان دیگر این مدرسه که در چند دهه قبل در این مدرسه تدریس می کردند، عبارتند از: شیخ محمد باقر

از مدرسان بنام و معروف این مدرسه، ملا عبدالله مدرس زوزنی، پدر آقاهای مدرس زوزنی، حکیم معصوم پوره است. او در زوزن متولد شد و در بدایت سن از زوزن به خوبی رفت و در آنجا به تحصیل علوم عربی و ادبی پرداخت. از آنجا که در خوبی صرف و نحو عربی را خوب تدریس می کرد، در آن شهر به ملا عبدالله نحوی معروف شد. او بعدها جهت تکمیل تحصیلات خویش به عراق رفت و در کربلا در حوزه دوس سیدعلی طباطبائی اصفهانی صاحب کتاب ریاض المسائل فی بیان احکام الشرح بالدلائل، به تحصیل اصول فقه مشغول شد. سپس، وی به قم آمد و چندی در نزد میرزا ابوالقاسم قس صاحب کتاب قوانین الاصول ادامه تحصیل داد. سپس، ملا ۱۲۹۲ هـ. ق. درگذشت. جنازه او به حضرت عبدالعظیم برده، و در پشت بقعه مشرفه حمزه بن موسی به خاک سپرده شد. از آثار او می توان به رساله در صحیح و اعم، رساله در اجزاء، رساله در مرقعه واجب و امر بشی، و رساله در مسائل تخصیص مجمل و مبین و مطلق و مفید اشاره کرد. ۷۳ از دیگر مدرسان که در این مدرسه مشغول به تدریس بود، حاج مولا هادی مدرس طهرانی است. اعتماد السلطنه دوباره وی می نویسد: «اکثر حاشیه به اصفهان رفت، و در نزد ملاعلی نوری به تحصیل علوم حکمی و در نزد سیدمحمد مجاهد و سید محمد باقر شفیق به تحصیل علم اصول و فقه پرداخت. وی در سال ۱۲۳۷ هـ. ق. بنا به معرفی ملاعلی نوری برای تدریس طلاب مدرسه مروری به تهران آمد، و مدت ۲۰ سال در این مدرسه تدریس کرد. او در سال ۱۲۵۷ هـ. ق. در تهران در گذشت. ۶۹

میرزا عبدالرحیم مجتهد نهایندی، از دیگر مدرسان مدرسه مروری بود. وی در تهران سکونت داشت و در فقه و اصول از بزرگان این رشته به حساب می آمد، و در تقوا و عدالت اجدی را مجال و تأمل پای وی نبود. ۷۰ بعد از فوت او بر حسب انتخاب حاج ملاعلی قتی، مرحوم آقا سیدعبدالکرم به جای او برآمد تدریس ننست. ۷۱

از دیگر مدرسان این مدرسه، می توان به ملا محمدتقی اردکانی اشاره کرد. او فرزند این طالب یزدی اردکانی و خواهرزاده آخوند ملاسماعیل عقلانی پسر عبدالملک (د. ۱۲۳۰) بود. ملا محمد تقی اردکانی - در زمان صدراعظمی حاج میرزا آقاسی - از علمای طرفدار حاج سید محمدباقر حجت الاسلام بود. از این رو، دولت او را به تهران آورد و چندی در زندان بود، که در یکی از تالیفاتش بدان اشاره دارد. پس از آزادی از زندان، از سال ۱۲۵۷ هـ. ق. در مدرسه مروری مشغول به تحصیل شد. او در سال ۱۲۶۷ هـ. ق. در تهران فوت کرد. ۷۲

مدرس دیگر این مدرسه، حاج میرزا ابوالقاسم کلاتری است. او در ۳ ربیع الثانی ۱۲۳۶ هـ. ق. در تهران متولد شد، و

گلیابگانی منبر در ریاضیات، محمدعلی ادیب نهرانی، شیخ غلامحسین خبیری دامغانی، سیدهادی ورامینی، حاج سیدعباس آیت الله زاده،^{۸۸} میرزا احمد آشتیانی، سیدصدرالدین رفیعی قس مدرس معالم الاصول و برخی درسهای دیگر، مرحوم سیدصدوق الدین شوشتری جزائری مدرس کفایه الاصول، حاج شیخ اسماعیل چابلقی، حاج میرزا ابوالحسن شمرانی، عماد رشتی نوه میرزا حبیب الله رشتی، شیخ علی خدان شفیق معروف، به رشتی که رقبات زیادی برعسندرسه وقف کرده است، حاج شیخ عبدالمطهر طالقانی، قاینی، زیاری، سید نورالدین طالقانی، حاج میرزا محمد باقر آشتیانی، آقا جمال نووی، شیخ محمودفا نووی، حاج شیخ رفعا طهرانی مؤلف دوره فقه، حاج میرزا علی حصه ای اسفهان‌ای واعظ، شیخ باقر قس، شیخ رفعا محقق قس مدرس قزوین، سیدرفعی شیرازی، سیدابوالقاسم کاشانی، سید محمد بهبهانی، شیخ حسین کتی (د. حدود ۱۳۷۳ ه. ش) مدرس شرح لمعه، مرحوم طباطبائی نوه مرحوم فشارکی، آقا سید ابوالحسن قزوینی رفیعی (گاهی تدریس داشتند)، آیت الله حسن زاده آملی، آیت الله جوادی آملی، شهید مرتضی مطهری و دکتر ابوالقاسم گرجی.

شهید مطهری قریب به ۷ سال در این مدرسه تدریس داشت. کتاب شرح عربی منظومه یادگار تدریس این ۷ سال می باشد. استاد مطهری همچنین اسفار، شرح اشارات و دانشنامه علانی را نیز مورد بحث قرار می داد. این درس توسط یکی از شاگردان فاضل استاد به عربی تحریر شد و پس از اتمام درس این مجموعه مورد تصحیح و تمثیله استاد قرار گرفت، و بعداً منتشر شد. ^{۸۹}

نظام آموزشی مدرسه در حال حاضر

در این مدرسه ۵ مدرسه تابعه آن که عبارتند از: مدرسه سپهسالار قدیم (شهید بهشتی)، مدرسه مسجد، مدرسه قنبر علیخان (دولت عصر (عج))، مدرسه رضاییه و مدرسه حاج ابوالحسن محماریان، علوم دینی در ۲ سطح تدریس می شود. سطح اول، که حدود ۴ سال به طول می انجامد، شامل درسهای مقدماتی مانند ادبیات عرب و منطق است. و سطح دوم، که از سال پنجم شروع می شود، و شامل دروس عالی مانند شرح لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه، اسفار، منظومه و بالاخره درس خارج فقه و اصول است. لازم به ذکر است که دروس مقدماتی در مدارس تحت پوشش مدرسه مروی، و دروس عالی در خود مدرسه برگزار می شود.

این مدرسه زیر نظر نظام هماهنگ پذیرشی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، اقدام به پذیرش طلبه می کند، و نماینده این مرکز در تهران و حومه است.

مدتی است که در امر آموزش و کتاهای دوسی مدرسه، تحولاتی انجام گرفته است. به این ترتیب که مدرسه اقدام به

انتشار سلسله کتاهای براساس تلفیق مطالب کتب قدیم با روشهای جدید آموزشی کرده است. این کتاهای حاوی متنی روان، مثالهای مناسب بحث، تمرین، جدول است و در پایان هر درس متنی از کتاهای قدیم به عنوان بخش تحقیقی قرار دارد. این تحول در آموزش مطرح مقدماتی انجام شده است، و مستولان مدرسه در تلاشند که این تحول را در سطوح عالی نیز اعمال کنند.

در مدرسه مروی - همان طور که گفته شد - تنها دروس عالی تدریس می شود که این دروس و استادان آنها عبارتند از:

درس خارج: آیت الله مهدوی کتی (فقه). آیت الله آقا مجتبی نهرانی (فقه و اصول) آیت الله اراکی (فقه و اصول)
دوس کفایه: آیت الله موسوی تبریزی، جعفری اراکی و شریعتشاری

درس مکاسب: آیت الله جعفری اراکی، حمید زنجانی، اصطهباناتی و موسوی تبریزی

درس رسائل: حجج اسلام: فلاح و نقوی

شرح لمعه: حجج اسلام: پاکتچی، حبیب اللهی و رجایی
درس اسفار: آیت الله محمدی گیلانی و خسروشاهی که ایشان منظومه و نهاده نیز تدریس می کنند.

اخلاق: آیت الله مهدوی کتی

تفسیر برای سطوح عالی: آیت الله خزعلی

علاوه بر این دروس، مدرسه اقدام به تدریس برخی از درسهای حوزوی غیررسم نموده است از قبیل: تفسیر، علم حسبه (درباره و روایه)، علوم قرآن، تاریخ اسلام و ادبیات فارسی.

برای ذوق برنامه طلاب نیز دوسهایی مانند زبان انگلیسی و آموزش کامپیوتر در نظر گرفته شده است.

قابل ذکر است که مدرسه مروی به عنوان شعبه مرکز تحقیقات کامپیوتری حوزه علمیه قم و نیز شعبه مرکز خدمات درمانی این حوزه در تهران است. ^{۹۰}

طبق نظر واقف، انتخاب استاد برای مدرسه بعد از واقف، به اعتبار تدری و ناظر مدرسه موقوف است. ^{۹۱}
در مدرسه مروی از قدیم آیام فقها در کنار فلاسفه مشغول تدریس بودند، و همچنین ریاضی و نجوم نیز تدریس می شد. ^{۹۲}

وظایف طلاب مدرسه در قیام واقف، محصلان برجسته مدرسه و حقوق و مقرری طلاب

واقف مدرسه برای محصلان و طلابی که در مدرسه تحصیل می کنند، شروط شرعی گذاشته است که رعایت آن بر طلاب واجب است:

۱. محصلان علوم شرعیه در تحصیل علم باهتس ساعی باشند، کسانی که تحصیل نمی کنند، در تدریس و تالیف کوناهای نماینده.

عهدۀ آقای محمد جواد کیانی است. تا قبل از سال ۶۵، پرونده های موقوفات مدرسه در اوقاف نگهداری می شد. ولی با مدیریت سرپرست جدید و از دی ۱۳۶۵، پرونده ها به مدرسه منتقل و برای هر موقوفه پرونده ای منشوخ شد، که به طور مستقیم با مستأجران قرار داد بسته می شود. این امر موجب شد تا چندین موقوفه فرواروش شده یا فروخته شده، مجدداً اصحاب مراحل بازرسی گیری شان آغاز شود. از آن جمله به عبادتگاه بهایی ها در کوچه خادم، باغ سرچشمه شمیران می توان اشاره کرد که در سال ۱۳۱۸ شخصی بنام پریوخ دولتشاهی در طی مراحل قانونی آن زمان، زمین را به عنوان مصلوب المنعمه از اداره فرهنگ و معارف وقت خریداری و از موقوفه خارج کرده بود و همچنین زمینهای وقفی شیخ علی رشتی در پیور شفت از قزاقی رشت. از اقدامهای دیگر اداره سرپرستی اوقاف، گرفتن سند برای تمامی املاک است.

۲. هر یک از طلاب موظفند بدون علو شرعی، هر روزه حداقل یک حزب کلام الله مجید تلاوت کنند.
 ۳. طلاب مدرسه می بایست در دادن کسباب به یکدیگر مضایقه نکنند و کتاب را بیش از اندازه نگاه ندارند.
 آنان باید در حفظ کتابها، فرشها و ظرفهای مدرسه کوشا باشند. ۸۲

این مدرسه محصلان و طلاب برجسته ای را در آموزش خود پرورش داده است که از آن جمله می توان به حاج میرزا ابوالقاسم کلاتوری، سید محمد حسین طهرانی، سید محمد بهبهانی، مرحوم محمد تروینی مصحح تاریخ جهانگشای جویزی، میرزا مهدی آشتیانی صاحب کتابهای حاشیه بر شرح منظومه سپسوزاری در ۲ جلد به عربی، شیخ آقا بزرگ نهرانی، حسن زاده آملی، جسرادی آملی، محسن الدین انواری، رضا استادی، احمد مولایی، وحسی شیرازی، آقا مهدی حائری نهرانی، محمد باقر حبشی، مهدی محقق، ابوالقاسم گرجی و سیدجعفر سجادی اشاره کرد. ۸۳
 ظاهرأ، برای ورود طلاب به مدرسه، از آنان امتحان به عمل می آمد. طلاب موظف بودند تا دروس فرا گرفته شده را با یکدیگر مباحثه کنند. از محضات آموزشی این مدرسه بویژه در قدیم، آن بود که طلاب در دروس و سطوح مختلف از استادان سپسوزاسفاده می کردند، حال آنکه در زمانهای قدیم (حدود سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۲۲)، در قم طلاب سطوح بالاتر به محصلان سطوح پایین درس می دادند. ۸۵

پانوشتها:
 ۱. استادی، رضا، فهرست نسخه های خطی مدرسه مروی، نشر کتابخانه مروی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۹
 ۲. باستان، مهدی، شرح حال رجال ایران، انتشارات زوار، ج ۴، ۱۳۷۱، ج ۳، صص ۳۹۵، ۳۹۶
 ۳. میران بیگی شیرازی، سیداحمد، حقیقه الشعراء (ادب و فرهنگ در عصر قاجاریه)، تصحیح عبدالحمین لوی، ج ۱، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۰۱
 ۴. طهرانی، شیخ آقا بزرگ، المدهمة الی تصانیف الشیمة، دارالاشواق، ۲۰۱۲، نا، بیروت، ج ۹، قسم الرابع، ص ۱۱۲۷، حقیقه الشعراء، ج ۲، صص ۲۰۹، ۲۰۹
 ۵. تحقیقات میدانی
 ۶. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، تاریخ منظم نامروی، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، انتشارات دنیای کتاب، ج ۱، تهران، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۵۲۲، فرهاد میرزا، تاریخ زبیلی، انتشارات کلانا خاور، ج ۲، ص ۳۵۸
 ۷. مصطفوی، سیدمحمد تقی، آثار تاریخی تهران، به کوشش میرهاشم محمدرضا، انتشارات تبیین آثار ملی، ج ۱، ۱۳۶۱، ص ۳۸۲
 ۸. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مروی، ص ۳
 ۹. بلاغی، محبت، تاریخ سرگذر تهران و مسلمانان، بی جا، بی نا، ص ۸۱
 ۱۰. تحقیقات میدانی
 ۱۱. تاریخ مرکز تهران و مساجد، ص ۸۲
 ۱۲. آثار تاریخی تهران، ص ۸۶
 ۱۳. استادی، رضا، اوقاف نامه مدرسه مروی تهران، مجله وقف میراث جاویدان، سال چهارم، ۱۳۷۵، شماره ۱، صص ۵۷، ۵۸
 ۱۴. همان، صص ۹، ۶۰
 ۱۵. همان، صص ۹، ۷۰
 ۱۶. همان، صص ۹، ۶۱

حجره های مدرسه در زمان حاج ملاعلی کنی در ماه، حدوداً ۷۲۶ تومان مخارج داشت. ۸۶ در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۲۲
 طلاب مدرسه ماهیانه ۵۰ تومان دریافت می کردند. ۸۷ در حال حاضر طلاب رسمی، مجرد ۷ هزار تومان و متاهل ۱۲ هزار تومان دریافت می کنند. علاوه بر آن از شهریه مقام معظم رهبری به متاهلان ۲ هزار تومان و به مجردها ۲ هزار تومان و از شهریه آیت الله سیستانی به مجردها ۸۰۰ تومان و به متاهلان ۱۶۰۰ تومان پرداخت می شود. ۸۸

وضعیت فعلی مدرسه و مسجد و فکرة موقوفات پس از منصوب شدن آیت الله مهدوی کنی به تولیت مدرسه مروی، اقدامهایی برای اصلاح و بهبود حجره ها، تعمیر کف حیات و تجهیز کتابخانه انجام شد.
 اداره موقوفات مدرسه در زمان مرحوم میرزا احمد آشتیانی، در اختیار فردی به نام خادم باشی بوده است که پس از فوت وی، سرپرستی اداره به عهده فرزندانش، اکبر و اصغر خادمباشیان (جریدهان)، بود. پس از آنان سیدمهدی گلپایگانی بدین شغل منصوب شد. از سال ۶۵ تاکنون نیز سرپرستی آن به

۱۷. همان، ص ۶۲
۱۸. همان، ص ۶۱
۱۹. همان، ص ۶۹-۷۰
۲۰. همان، ص ۶۱
۲۱. تحقیقات میدانی، نقطه رویت و قضاوت های مورد اشاره، برای نگارنده میسر شد.
۲۲. با تشکر از آقای فرزاد زبیرلو که نگارنده را از وجود این سند آگاه کرد. و با سپاس از خانم زهرا شفیعی جابوبی، فرزند حاج مرتضی دانش شفیعی (شهرت و شرف) مرحوم شیخ علی شفیعی رشتی، که عکس از این سند را در اختیار نگارنده قرار داد. این وفتنامه در مجله وقف میراث جاویدان، بهار ۷۶، چاپ خواهد شد.
۲۳. آسار دارالخلافت، به کوشش سیروس سعدوندیان و منصوره اتعابدی، نشر تاریخ ایران، چ ۱۳۶۸، ص ۱۱۲
۲۴. همان، ص ۷۱
۲۵. همان، ص ۳۱۰
۲۶. همان، ص ۳۹۱
۲۷. همان، ص ۲۱۶
۲۸. همان، ص ۲۱۸
۲۹. همان، ص ۲۱۵
۳۰. همان، ص ۲۱۹
۳۱. تاریخ مرکزی تهران و مضامینات، ص ۸۲، ۸۱
۳۲. همان، ص ۸۳
۳۳. وفتنامه مدرسه مروی، ص ۶۰
۳۴. همان، ص ۶۱
۳۵. برای اطلاع بیشتر در باب این واقعه در شرح حال حاج میرزا مسیح طهرانی، ر. ک: محمد میرمحمد صادقی و محمدجس، مسجد جامع یا مسجد جمعه، مجله مسجد، سال چهارم، بهمن و اسفند ۷۶، شمار: ۲۲، ص ۷۰-۷۹
۳۶. المآثر والأثار، ص ۲۰۶
۳۷. شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۳۵۰
۳۸. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، روزنامه اساطیر اعتماد السلطنه، به کوشش ایرج افشار، چ ۲، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۲۵
- ۱۲۶-۵۹۵
۳۹. المآثر والأثار، ص ۱۲۲
۴۰. قزوینی، محمد، یادداشت های قزوینی، به کوشش ایرج افشار، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۵۲، ص ۸
- صص ۱۶۶، ۱۶۷، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه مروی، صص ۳۵-۳۶
۴۱. همان، صص ۳۷، ۳۶
۴۲. کرماتی، ناظم الاسلام، تاریخ پیوستاری ایرانستان، انتشارات آگاه، چ ۲، ۱۳۵۷، بخش اول، صص ۲۴۵، کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، انتشارات امیرکبیر، چ ۱۵، تهران، بخش اول، ص ۱۶۲، ملک زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، انتشارات علم، چ ۳، تهران، ۱۳۷۱، چ ۲، ص ۲۷۵
۴۳. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مروی، ص ۳۷، یادداشت های قزوینی، ص ۸۲، چ ۲۲۲
۴۴. برای اطلاعات بیشتر از شرح اسوالات وی، ر. ک: اسنادی، رضا، چهل مقاله (ساج میرزا احمد آشتیانی) کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چ ۱، قم، ۱۳۷۱، صص ۵۹۷-۶۱۲
۴۵. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مروی، صص ۲۹، ۲۸
۴۶. مصاحبه با دکتر محمد باقر حسینی
۴۷. صحیفه نور، انتشارات سازمان مدارک دفاعی فرهنگ انقلاب اسلامی، چ ۱، تهران، ۱۳۶۸، ص ۶۵
۴۸. وفتنامه مدرسه مروی، ص ۶۰
۴۹. همان، ص ۶۱
۵۰. المآثر والأثار، ص ۳۴۹
۵۱. وفتنامه مدرسه مروی، صص ۶۱، ۶۰
۵۲. ۵۳. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه مروی، صص ۵۲، ۵۳
۵۴. تحقیقات میدانی
۵۵. شریف کاشانی، محمد مهدی، واقعات انقلابی در روزگار، تصحیح منصوره اتعابدی (نظام مانی)، سیروس سعدوندیان، انتشارات نشر تاریخ ایران، چ ۱، ص ۱۳۷، تاریخ مشروطه ایران، ص ۱۶۲، تاریخ پیوستاری ایران، بخش اول، ص ۳۴۹
۵۶. واقعات انقلابی در روزگار، صص ۳۸، ۳۷، برای اطلاع از محتوای نامه های مورد اشاره، ر. ک: همان، صص ۲۶، ۵۰، ۹۲
۵۷. تاریخ پیوستاری ایرانستان، بخش اول، ص ۱۳۵، تاریخ مشروطه ایران، چ ۱، ص ۶۷
۵۸. نوایی، عبدالحسین، دولت های ایران از آفات مشروطیت تا اولتیماتوم، انتشارات بابک، چ ۱، تهران، ۱۳۵۵، ص ۳۶
۵۹. واقعات انقلابی در روزگار، چ ۱، ص ۱۵۶
۶۰. تاریخ مشروطه ایران، صص ۵۲۷، ۵۲۸، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، چ ۳، ص ۵۸۹، واقعات انقلابی در روزگار، ص ۱۵۶، کتاب تاریخی (گزارش های سیاسی وزارت امور خارجه روسیه درباره انقلاب مشروطیت) به کوشش احمد بشیری، نشر نور، چ ۲، تهران، ۱۳۶۷، ص ۸۹
۶۱. روضه زاده ملک، رحیم، سیدرعان محمودوفی، انتشارات دنیا، ص ۱، چ ۱، ص ۲۰
۶۲. یکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، بنگله ترجمه و نشر کتاب، چ ۲، تهران، ۱۳۵۹، صص ۲۴۵، ۲۴۷
۶۳. روزنامه اخبار اعتماد السلطنه، صص ۱۲۵-۱۲۶
۶۴. تحقیقات میدانی
۶۵. شرح حال رجال ایران، چ ۱، ص ۲۴۰
۶۶. تحقیقات میدانی
۶۷. پهلوانی، اقبال، شهید راه آزادی (سیدجمال واعظ اصفهانی)، انتشارات توس، چ ۱، ۱۳۵۷، ص ۲۵۱
۶۸. تحقیقات میدانی

مطهری، مابقی‌گویی از منظر شهید مطهری و تکرار فلسفی غرب از منظر شهید مطهری، شهید پیش رو، مقاله یکی از این طرح‌هاست که براساس آن، جنبه‌های تعامی متفکران غرب بویژه فلاسفه که در آثار شهید مطهری مورد نقد قرار گرفته، گردآوری شده است.

کتاب، حاوی مساحت قبلی است: **فیثاغورس** (در ۱۳ قسمت)، **دیموکریس** (در ۳ قسمت)، **سرفسطایان** (در ۱۰ قسمت)، **سنسراط** (در ۱ قسمت)، **افلاطون** (در ۱۸ قسمت)، **ارسطو** (در ۱۳ قسمت)، **آرسطو** (در ۲ قسمت).

مجموعی از این کتاب از متفکران دیگری نیز یاد شده است که برخی از آنان عبارتند از: **فرانسس بیکن**، **دنه دکارت**، **دیوید هابز**، **جان لاک**، **روسو**، **ژان پائیس لامارت**، **ایمانوئل کانت**، **فریدریش هگل**، **آرتور شوپنهاور**، **آگوست گنت**، **چارلز رابرت داروین**، **هربرت اسپنسر**، **ویلیام جیمز**، **ویلهلم نیچه**، **فروید**، **دوره‌هایم**، **برگسون**، **رامس**، **شالنه**، **سیرز**، **سارتر** و **تین بن**.



العقل السی علم احکام النجوم، ابو نصر حسن بن علی لغی، تصحیح جلیل الحوائج زنجانی، دفتر نشر منبرها معنوی و انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵.
۴۰۶ ص. ج ۱. ۳۰۰، ۱۱۵۰، ۱۱۵۰ ریال
 کتاب، رساله‌ای است در موضوع حکام نجوم از ابو نصر حسن بن علی لغی (زاده در سال ۳۷۳ ه. ق.) از دانشمندان و متحجیان قرن ۲ ه. ق. ترسیم جدول‌های نجومی و یک تقویم بزرگ‌گویی و بررسی محاسبات نجومی.

از ویژگی‌های کتاب حاضر به ششمین روز کتاب، حاوی ۵ مقالات به ترتیب ذیل است: مقالات اول (در ۱۲ فصل) اثر هیبت‌الله و مهد مشارکان، **دور مقادیر الاکتیو اجرامها و دوری ایشان** و ...، **مقالات دوم** (در ۱۱ فصل) **آثار دکتر کتولایب سعه** و ...، **آثار دکتر خاتمی‌ای ایشان و محارفات طول زیاط** و ...، **مقالات سوم** (در ۱۲ فصل) **اثر معرفت طریوم و حساب حمل** و ...، **آثار معنی اضلال** و ...، **آثار معنی ملاح و محارف ارتفاع** و ...، **مقالات چهارم** (در ۱۲ فصل) **آثار نظر کوشکان**، **آثار مطرح شمس‌الکلیان** و **عمل واپس اسکندری** و

در مقدمه ۱۲۴ صفحه‌ای محقق و موضح منضمم، این مطلب را می‌خوانیم: **مقالات تاریخ تألیف کتاب، بررسی نسخه‌های خطی و ویژگی‌های علمی** شامل تقریب سال ۳۲۵ بزرگ‌گویی، محاسبه سال بزرگ‌گویی، محاسبه سال شمسی شمسی و ...، **ویژگی‌های آثار کهنی شمسی** جمع بستن کلمات، به کار بردن فعلیهای خاص، **طریقه نقل کردن جمله** و

ادعاه از صفحه ۸۳

- ۶۸. محقق، مهدی، دومین بیست گفتار، مؤسسه مطالعات اسلامی، دانشگاه مکه کبیل (کتبه)، ۱، تهران، ۱۳۶۹، **صص ۳۷۵، ۳۷۶**.
- ۶۹. گوشت کره‌گی، سال اول، **مرداد** ۱۳۲۳، شماره ۵، **صص ۱۵، ۱۵**.
- ۷۰. گوشت کره‌گی، سال اول، **مرداد** ۱۳۶۵، شماره ۵، **صص ۲ و ۳**، **ششم، فروردین ماه** ۱۳۶۸، **صص ۱۰۱، ۱۰۱**، **فولتنامه** **مدرسه مروی**، **صص ۵۶، تحقیقات میدانی**.
- ۷۱. **تحقیقات میدانی و مصاحبه با آقای شریف زاده**.
- ۷۲. **فولتنامه** **مدرسه مروی**، **صص ۶۱**.
- ۷۳. **مصاحبه با دکتر سید محمدباقر حسینی**.
- ۷۴. **فولتنامه** **مدرسه مروی**، **صص ۶۰**.
- ۷۵. دومین بیست گفتار، **صص ۳۷۷، ۳۷۷**، **پنهان فرهنگی**، **سال اول**، **مرداد** ۱۳۶۳، شماره ۵، **صص ۱۵، ۱۵**، **مرداد** ۱۳۶۵، شماره ۵، **صص ۲ و ۳**، **سال** **ششم، فروردین** **ماه** ۱۳۶۸، **صص ۱۱، ۱۱**، **فصل مقاله**، **صص ۱۰۱، ۱۰۱**، **آثار بزرگ تهرانی**، **شیخ المومنین** **شبهه**، **صص ۱۱۰، ۱۱۰**، **پایان‌شده‌های** **فروزی**، **صص ۱۶۷**.
- ۷۶. **مصاحبه با دکتر سید محمد باقر حسینی**.
- ۷۷. **روزنامه** **مخاطرات استاد السلطنه**، **صص ۱۲۵**.
- ۷۸. **مصاحبه با دکتر سید محمدباقر حسینی**.
- ۷۹. **تحقیقات میدانی**.
- ۶۹. شرح حال رجال ایران، **ج ۶**، **صص ۱۲۸، ۱۲۸**، **اصحیوی** **آوردگی**، **چهل سال** **تاریخ ایران**، **تعلیقات بر کتاب** **العالم والأخبار**، **کوشش** **لوح** **نشر**، **تهران**، **انتشارات** **اساطیر**، **ج ۱**، **صص ۱۳۶۸، ۱۳۶۵**.
- ۷۰. **شکار** **الأخبار**، **صص ۱۹۳**.
- ۷۱. **علمان**، **صص ۱۲۲، ۱۲۲**، **چهل مقاله**، **صص ۶۰**.
- ۷۲. **چهل سال** **تاریخ ایران**، **تعلیقات بر کتاب** **العالم والأخبار**، **صص ۱۲۷، ۱۲۷**، **العالم والأخبار**، **صص ۱۹۵، ۱۹۵**.
- ۷۳. **نامه** **دانشوران** **تاسیری**، **انتشارات** **دارالفکر**، **ج ۲**، **صص ۲۰۶، ۲۰۶**، **صص ۱۰۲، ۱۰۲**، **صص ۲۶۴، ۲۶۴**، **العالم والأخبار**، **صص ۲۱۴**.
- ۷۴. **علمان**، **صص ۱۰۳**.
- ۷۵. **علمان**، **صص ۲۲۶**.
- ۷۶. **پایان‌شده‌های** **فروزی**، **صص ۸۳**.
- ۷۷. **سئ** **کسانی** **محمدجعفر**، **آثار بزرگ تهرانی**، **شیخ المومنین** **شبهه**، **شرح** **زندگی** **شیخ** **آقا** **بزرگ تهرانی** **به** **نظم** **خودش**، **مجموعه** **کرانه**، **سال** **اول**، **۱۳۷۲**، **شماره** **۳**، **صص ۱۱۱، ۱۱۱**، **صفحات**، **ایزهم**، **مهربان** **مشروطه**، **دوره** **اول**، **انتشارات** **جلوه‌ها**، **ج ۳**، **صص ۲۱۵، ۲۱۵**.